





وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری  
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته تفسیر قرآن مجید

موضوع: بررسی قرآنی پدیده نفوذ استکبار در میان مسلمانان

استاد راهنما:

آقای دکتر محمدی سیرت

نگارنده:

مجتبی آمرکاشی

شهریور ماه ۱۳۹۵

## تقدیر

بدینوسیله از زحمات استاد گرانقدر دکتر محمدی سیرت که در تدوین این پایان نامه بنده را یاری کردند صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.

## چکیده

مجموعه حاضر با توجه به بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مبنی بر جریان نفوذ استکبار و به جهت بررسی قرآنی و تبیین قرآنی موضوع فوق تدوین گردیده است تا با بهره گیری از دستورات الهی بتوانیم جامعه اسلامی به ویژه جوانان را از خطرات پیش رو آگاه سازیم. در این تحقیق قرآنی به بیش از پانصد آیه قرآن کریم در زمینه شناخت استکبار، عوامل زمینه ساز استکبار، جریان نفوذ استکبار، راههای نفوذ و راههای مقابله با آن از دیدگاه قرآن کریم پرداخته شده است. در بررسی ریشه های پدید آورنده استکبار، کبر به صورت لغوی بررسی و عوامل بوجود آورنده تکبر و نهایتاً استکبار مورد توجه قرار گرفته است. به جهت شناخت راههای نفوذ استکبار، جنگ سخت، جنگ نرم و تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی دشمنان اسلام مورد مطالعه قرار گرفته و برای مقابله با جریان نفوذ استکبار دستورات قرآنی در قالب دفاع نرم و دفاع سخت بررسی گردیده است. شناخت آیات استکبار ستیزی، وحدت امت اسلامی، بالا بردن توان نظامی از جمله اقدامات نرم و سختی است که به آن پرداخته شده است.

کلید واژگان: استکبار، نفوذ، جنگ نرم، جنگ سخت، تهاجم فرهنگی

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
کلیات تحقیق	۲
بیان مسأله	۲
اهداف تحقیق	۲
ضرورت های تحقیق	۳
پرسشهای تحقیق	۳
فرضیه های تحقیق	۳
پیشینه تحقیق	۴
فصل اول : مفاهیم نظری	۵
۱-۱- بخش اول : مفاهیم	۵
۱-۱-۱- مفهوم کبر	۵
۱-۱-۲- فرق عجب و کبر	۱۱
۱-۱-۳- مفهوم استکبار	۱۴
۱-۱-۳-۱- استکبار در برابر عبودیت الهی	۱۴
۱-۱-۳-۲- سلطه و برتری جویی	۱۵
۱-۱-۳-۳- علو و گردنکشی	۱۸
۱-۱-۴- مفهوم استضعاف	۲۰
۱-۱-۵- فرق استکبار و استضعاف	۲۳
۲-۱- بخش دوم : استکبار شناسی	۲۹

- ۲۹-۱-۲-۱- هویت استکبار..... ۲۹
- ۲۹-۱-۱-۲-۱- کفر بر خدا مقدمه مستکبر شدن..... ۲۹
- ۳۰-۲-۱-۲-۱- عدم پذیرش نبوت و دعوت انبیاء..... ۳۰
- ۳۴-۳-۱-۲-۱- استکبار و مشی ظالمانه..... ۳۴
- ۳۷-۴-۱-۲-۱- استکبار و فساد طلبی..... ۳۷
- ۴۰-۲-۲-۱- زمینه های پدید آمدن استکبار..... ۴۰
- ۴۰-۱-۲-۲-۱- زمینه هایی که راه را برای به وجود آمدن مستکبرین هموار میسازد..... ۴۰
- ۴۰-۲-۲-۲-۱- زمینه هایی که راه را برای به وجود آمدن مستضعفین هموار میسازد..... ۴۰
- ۴۰-۱-۱-۲-۲-۱- عدم تفکر و بی توجهی به عقل و اندیشه..... ۴۰
- ۴۲-۲-۱-۲-۲-۱- اتراف و غرق در نعمت شدن..... ۴۲
- ۴۶-۳-۱-۲-۲-۱- غفلت و عدم توجه به انذار مندرین..... ۴۶
- ۴۸-۱-۲-۲-۲-۱- عدم توجه به اراده الهی مبنی بر حمایت از مستضعفین..... ۴۸
- ۵۱-۲-۲-۲-۲-۱- راضی شدن به وضعیت موجود..... ۵۱
- ۵۳-۳-۲-۱- عاقبت استکبار در دنیا و آخرت..... ۵۳
- ۵۳-۱-۳-۲-۱- عمل نیک و بد انسان از بین نمیروند..... ۵۳
- ۵۳-۲-۳-۲-۱- ذلت، خواری و از بین رفتن نعمتها..... ۵۳
- ۵۷-۳-۳-۲-۱- عذاب و عقوبت الهی..... ۵۷
- ۵۹-۴-۲-۱- نتیجه تبعیت از استکبار..... ۵۹
- ۵۹-۱-۴-۲-۱- نفاق و دوری از رحمت الهی..... ۵۹

- ۶۳.....۱-۲-۴-۲-عقب ماندگی و از دست رفتن نعمتها.....
- ۶۵.....۱-۲-۴-۳-گمراهی و سردرگمی.....
- ۶۸.....۱-۲-۴-۴-عذاب جاودان.....
- ۷۰..... **فصل دوم : راههای نفوذ استکبار.....**
- ۷۰..... ۲-۱-بخش اول : ماهیت نفوذ.....
- ۷۰..... ۲-۱-۱-مفهوم شناسی نفوذ.....
- ۷۳..... ۲-۱-۲-انواع نفوذ.....
- ۷۳..... ۲-۱-۲-۱-نفوذ رحمانی.....
- ۷۶..... ۲-۱-۲-۱-۱-خداوند رحمان خالق کل شی است و در همه چیز نفوذ دارد.....
- ۷۲..... ۲-۱-۲-۱-۲-خداوند رحمان مراقب کل شی است و در همه حالات موجودات نفوذ دارد.....
- ۸۰..... ۲-۱-۲-۲-نفوذ شیطانی.....
- ۸۱..... ۲-۱-۲-۲-۱-شیطان و نفوذی وسوسه انگیز نه حقیقی.....
- ۸۳..... ۲-۱-۲-۲-۲-نفوذ شیطان ضعیف است.....
- ۸۵..... ۲-۱-۲-۳-ابزار نفوذ استکبار.....
- ۸۵..... ۲-۱-۳-۱-ثروت.....
- ۹۰..... ۲-۱-۳-۲-علم.....
- ۹۷..... ۲-۱-۴-نفوذ پذیری نفس انسان.....
- ۱۰۳..... ۲-۱-۵-ویژگی افراد نفوذ پذیر.....
- ۱۰۵..... ۲-۱-۵-۱-ترس و اضطراب.....

- ۱۰۹.....۱-۵-۲- یاس و ناامیدی
- ۱۱۲.....۳-۵-۱-۲- اشتغال به ملامتی
- ۱۱۵.....۲-۲- بخش دوم : جنگ سخت**
- ۱۱۵.....۱-۲-۲- جنگ نظامی
- ۱۱۹.....۲-۲-۲- کیفیت جنگ نظامی
- ۱۲۰.....۱-۲-۲-۲- استفاده از سستی و ضعف و ترس مومنین از جنگ
- ۱۲۲.....۲-۲-۲-۲- اقدام نظامی و زیرو رو کردن بنیان های اجتماعی
- ۱۲۳.....۳-۲-۲- وظایف مومنین در جنگ نظامی
- ۱۲۴.....۱-۳-۲-۲- پیامبر و جنگ نظامی
- ۱۲۸.....۲-۳-۲-۲- خواص و جنگ نظامی
- ۱۳۲.....۳-۳-۲-۲- مومنین و جنگ نظامی
- ۱۳۷.....۳-۲- بخش سوم : جنگ نرم**
- ۱۳۷.....۱-۳-۲- تهاجم فرهنگی
- ۱۴۵.....۲-۳-۲- تهاجم تبلیغاتی
- ۱۵۳.....۳-۳-۲- ارباب و تهدید
- ۱۵۹..... فصل سوم : راههای پیشگیری و مقابله با نفوذ استکبار**
- ۱۵۹.....۱-۳-۱- بخش اول: راههای پیشگیری از نفوذ استکبار
- ۱۵۹.....۱-۱-۳- شناساندن ماهیت استکبار
- ۱۶۸.....۲-۱-۳- تبیین و تفسیر آیات استکبار ستیزی



۱۷۲	۳-۱-۳- بررسی تبعات نفوذ در جوامع.....
۱۷۲	۳-۱-۳-۱- نفوذ ، از بین رفتن بنیان های اجتماعی و فساد جامعه.....
۱۷۶	۳-۱-۳-۲- نفوذ و فساد اقتصادی .....
۱۷۹	۳-۱-۳-۳- نفوذ، سقوط عقاید و کفر.....
۱۸۲	۳-۱-۴- شیوه پیامبران در مقابله با نفوذ استکبار.....
۱۸۲	۳-۱-۴-۱- برنامه های عمومی.....
۱۸۶	۳-۱-۴-۲- برنامه های ویژه.....
۱۹۴	۳-۲- بخش دوم : راههای مقابله با نفوذ استکبار.....
۱۹۴	۳-۲-۱- مقابله نرم.....
۱۹۴	۳-۲-۱-۱- ریشه کنی کبر و غرور.....
۱۹۷	۳-۲-۱-۲- وحدت جهان اسلام.....
۲۰۲	۳-۲-۱-۳- بالا بردن روحیه استکبار ستیزی در میان مسلمانان.....
۲۰۵	۳-۲-۱-۴- جهاد فرهنگی.....
۲۰۶	۳-۲-۲- مقابله سخت.....
۲۰۶	۳-۲-۲-۱- غلظت و سرسختی.....
۲۰۷	۳-۲-۲-۲- بالا بردن اقتدار نظامی.....
۲۰۹	۴- نتیجه گیری.....
۲۱۱	منابع.....

## مقدمه

پروردگار متعال با نزول قرآن کریم مجموعه ای از آنچه مورد نیاز بشریت است را نازل فرمود و انسان را از ظلمات گمراهی و جهل به نور ایمان هدایت نمود و با فرستادن آخرین پیامبر حجت را بر همگان کامل کرد تا روز قیامت احدی نگوید که من نفهمیدم یا نشنیدم. در این میان علماء و اندیشمندان اسلامی وظیفه ای بزرگ و خطیر به عهده دارند و آن هم تبیین و توضیح آیات الهی است همان وظیفه ای که پیامبر اسلام خود به آن مشغول بوده و در این راه مشقت و سختیهای فراوانی را متحمل گردیده است. غفلت و جهل دو عنصر مهمی است که جامعه را دچار عقب ماندگی و گرفتاری میکند و یکی از برنامه های قرآن کریم نجات جامعه از غفلت و آگاهی دادن به سرنوشت خودشان است. آگاهی دادن و هشدار به اینکه عده ای از میان مردم به دنبال سلطه جویی و علو و گردنکشی هستند و برای اینکه به اهدافشان دست یابند از زیر پا گذاردن حقوق قسمت عمده ای از انسانها ترس و واهمه ای ندارند. قرآن کریم از حقیقت کفر آلود اینان پرده برمیدارد و مومنین و مسلمانان را هشدار داده و دعوت به بیداری و تبعیت از جبهه حق و حقیقت مینماید. در این میان افراد بسیاری با تعلیم گرفتن از دستورات الهی خود را آماده و مجهز ساخته و با جهاد (چه سخت و چه نرم) برای اعتلای پرچم توحید و عدالت گام برمیدارند. قطعاً علم و آگاهی همچون چراغی است که مجاهدان فی سبیل الله را در تمامی مراحل مبارزه و جهاد دستگیری کرده و آنان را به اذن الله به سر منزل مقصود میرساند.

## کلیات

### بیان مساله

با توجه به وضعیت جوامع اسلامی در حال حاضر و گرفتاریهای پیچیده ای که امروزه تمامی جوامع اسلامی را در بر گرفته و حرکت خزنده دشمنان اسلام که منافع خود را در تضاد با منافع اسلام میبینند و به جهت عمل به دستورات قرآن کریم مبنی بر ( و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه ) ضروری به نظر میرسد تا با مطالعه دقیق از حرکات دشمن و به جهت اعتلای پرچم توحیدی در سراسر جهان بررسی متحد الشکلی پیرامون حرکات دشمن و راههای نفوذ آنان داشته باشیم. شناخت استکبار و اهداف آن ، سرمایه ها ، برنامه ، و بررسی روند حرکت آنان برای جامعه ای الهی از ضروریات است . شناخت انواع راههای نفوذ از قبیل اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، نظامی و... از جمله موارد مورد بررسی میباشد . اهمیت کار آنجا بیشتر میشود که بدانیم عدم دفع ضررهای احتمالی دشمنان اسلام تا چه حد میتواند در حرکت جامعه اسلامی تاثیر گذار باشد و سهل انگاری در موضوع فوق میتواند ریشه و بنیان جامعه اسلامی را به طور کل از بین برده و فکر و ذهن مسلمانان جامعه را به تحریف و تباهی بکشاند. نگارنده در پی آن است تا با شناساندن جبهه استکبار و بررسی راههای نفوذ آنان بتواند روشنگری لازم را برای مسلمانان و به ویژه اهل علم و دانش ان شا... داشته باشد.

### اهداف تحقیق

با توجه به تشکیل حکومت اسلامی و به وجود آمدن روز به روز موضوعات مرتبط با جامعه اسلامی ، وجود دشمنان جامعه دینی و خطرات پیش رو از ناحیه آنان و به جهت اطلاع رسانی به عموم مسلمین و مومنین جامعه و با توجه به تشکیل جبهه جنگ نرم و حرکات خزنده و محسوس و نامحسوس دشمن علیه کشورهای رو به پیشرفت اسلامی ضرورت تبیین مسئله نفوذ استکبار و بررسی آن در کلام الهی ، بسیار حائز اهمیت است .

## اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع فوق با توجه به ضروریات روز جامعه و هشدارهای بزرگان دینی جامعه مبنی بر آگاهی مسلمانان بر دقت نظر به حرکات خزنده دشمنان اسلام مورد اهمیت است و بررسی و شناساندن نفوذ استکبار در جوامع اسلامی میتواند در آینده جامعه اسلامی بسیار پر اهمیت واقع شود چرا که در بررسی راههای نفوذ میتوان بسیاری از راههای نفوذ را که برای همگان روشن نمیشد بررسی و هشدارهای لازم به تمامی مسلمانان داده شود. البته با توجه به رشد اسلام گرایی در قرون اخیر و تلاش جبهه استکبار برای اسلام ستیزی اهمیت فوق بیشتر نیز میگردد.

## پرسشهای تحقیق

پرسش اصلی

-قرآن کریم چه گزارشی از راههای نفوذ استکبار و چگونگی درک صحیح از روند حرکت آن ارائه داده است؟

پرسشهای فرعی پژوهش

-راههای پیشگیری و نیز مقابله با جریان نفوذ استکبار چیست؟

-از منظر قرآن کریم ماهیت استکبار چیست و چه هدفی را دنبال میکند؟

-قرآن کریم نتیجه تبعیت از استکبار در دنیا و آخرت را چگونه توصیف کرده است؟

## فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

- قرآن کریم به دو راه نفوذ مهم (سخت و نرم) اشاره کرده است

فرضیه های فرعی

-شناختن هویت استکباری یکی از راههای پیشگیری از نفوذ استکبار است

-قرآن کریم تبعات دنیوی و اخروی نفوذ را بیان کرده است

پیش فرضیه های پژوهش

-مسیر صراط مستقیم قرآن با ماهیت استکبار هم خوانی ندارد.

## پیشینه تحقیق

درباره موضوع فوق با توجه به طرح آن به صورت موضوعی جدید و اجتماعی- سیاسی در عصر حاضر و در بررسی های به عمل آمده منبع قابل ذکری یافت نشده اما آنچه به صورت هر چند محدود و مختصر میتوان به آن اشاره کرد موارد ذیل میباشد

کتاب

فرقانی - قدرت الله - استکبار ستیزی - پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه-قم - ۱۳۸۳  
ضیاء آبادی - سید محمد - ضعف ایمان راه نفوذ دشمن - تهران - ۱۳۸۱

مقاله

راسل - قدرت الله - نفوذ شناسی مبتنی بر آیات قرآن کریم- سایت طلبگی تا اجتهاد  
جوهر دهی - علی - جریان شناسی نفوذ - روزنامه کیهان - بهمن ۱۳۹۴

همانطور که ملاحظه میفرمایید کارهای انجام شده ،چند اثر پیرامون استکبار و چند مقاله کوتاه پیرامون نفوذ میباشد که نشان از آن دارد که کار عمقی و بررسی متحد الشکلی پیرامون موضوع پر اهمیت فوق انجام نگرفته است.

## ۱- فصل اول: مفاهیم نظری

### ۱-۱- بخش اول: مفاهیم

#### ۱-۱-۱- مفهوم کبر

واژه کبر و مشتقات آن در قرآن کریم بسیار به کار رفته است. با مراجعه به فرهنگ های لغات معتبر درمی یابیم که این واژه بیانگر حالتی در انسان میباشد که خود را در مرتبه ای بالاتر از دیگران میبیند. در فرهنگ تهذیب اللغه آمده:

( و معنی **یتکبرون** ای آنهام یرون آنهام أفضل الخلق، و أن لهم من الحق ما ليس لغيرهم. و هذه الصفة لا تكون إلا لله خاصة، لأن الله جل و عز هو الذي له القدرة و الفضل الذي ليس لأحد مثله، و ذلك الذي يستحق أن يقال له **المتكبر**، و ليس لأحد أن **يتكبر** لأن الناس في الحقوق سواء، فليس لأحد ما ليس لغيره، فالله **المتكبر** جل و عز، و أعلم الله أن هؤلاء **يتكبرون** في الأرض بغير حق أي هؤلاء هذه صفتهم.

و أخبرني المنذرى عن أبي العباس أنه قال: في قوله: **يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ** [الأعراف: ۱۴۶] **مِنَ الْكِبَرِ** لا **مِنَ الْكِبَرِ** أي يتفضلون و يرون آنهام أفضل من غيرهم) ۱

و این در شرایطی است که همه انسانها در مرتبه ای مساوی قرار دارند و چونکه فضل و برتری مطلق از آن خداوند است فقط این حالت ویژه ذات باری تعالی میباشد یعنی صفت متکبر ویژه خداوند متعال است که خود نیز در قرآن کریم به آن صفت خود را خوانده است.

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ) حشر آیه ۲۳  
کبر با فتح با در سن نیز گفته میشود و کبر با کسر کاف به معنای عظمت و بزرگی گفته شده و کبریا نیز از همین مفهوم است.

---

۱- ازهری - محمد ابن احمد- تهذیب اللغه- بیروت- دار احیاء تراث العربی - اول - ۱۴۲۱ ه ق

(الْكِبَرُ فِي السَّنِّ. وَ قَدْ كَبِرَ الرَّجُلُ يَكْبُرُ كِبْرًا، أَى أُسْنًا، وَ مَكْبِرًا أَيْضًا، بِكَسْرِ الْبَاءِ.

وَ يُقَالُ: عَلَاهُ الْمَكْبَرُ. وَ الْاسْمُ الْكِبْرَةُ بِالْفَتْحِ. يُقَالُ: عَلَتْ فُلَانًا كِبْرَةً.

وَ كَبَّرَ بِالضَّمِّ يَكْبُرُ، أَى عَظَّمَ، فَهُوَ كَبِيرٌ وَ كَبَّارٌ. فَإِذَا أَفْرَطَ قِيلَ: كُبَّارٌ بِالتَّشْدِيدِ.

وَ الْكِبْرُ بِالْكَسْرِ: الْعِظْمَةُ، وَ كَذَلِكَ الْكِبْرِيَاءُ (صَاحِبُ جَوْهَرِي ١)

از نظر صاحب مفردات الفاظ قرآن، کبیر و صغیر دو لفظ اعتباری هستند که در کنار یکدیگر معنا می یابند و در کمیت های متصل به اجسام به کار می رود.

(الْكِبِيرُ وَ الصَّغِيرُ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْمُتَضَائِفَةِ الَّتِي تَقَالُ عِنْدَ اعْتِبَارِ بَعْضِهَا بِبَعْضٍ، فَالشَّيْءُ قَدْ يَكُونُ صَغِيرًا فِي جَنْبِ شَيْءٍ، وَ كَبِيرًا فِي جَنْبِ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَعْمَلَانِ فِي الْكَمِّيَّةِ الْمُتَّصِلَةِ كَالْأَجْسَامِ، وَ ذَلِكَ كَالْكَثِيرِ وَ الْقَلِيلِ) مفردات الفاظ قرآن

و گاهی در بزرگی و گذشت زمان نیز این لفظ به کار رفته است :

(فَمِنْ ذَلِكَ مَا اعْتَبِرَ فِيهِ الزَّمَانُ، فَيُقَالُ: فُلَانٌ كَبِيرٌ، أَى: مَسْنٌ. نَحْوُ قَوْلِهِ: إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا [الْإِسْرَاءُ / ٢٣]، وَ قَالَ: وَ أَصَابَهُ الْكِبَرُ [البقرة / ٢٦٦]، وَ قَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ) مفردات الفاظ قرآن

و گاهی بزرگی از حیث منزلت و رفعت درجه به کار برده میشود:

نحو: قُلْ أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ [الأنعام / ١٩]، وَ نَحْوُ: الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ [الرعد / ٩]، وَ قَوْلِهِ: فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ [الأنبياء / ٥٨] مفردات الفاظ قرآن ٢

و گاهی در قرآن کریم به معنای کار بزرگ و دشوار به کار رفته است:

وَ إِنِّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ مفردات الفاظ قرآن

١- جوهری - اسماعیل ابن حماد - صحاح اللغة - بیروت - دار العلم للملایین - اول ١٣٧٦ ه ق

٢- راغب اصفهانی - حسین ابن محمد - مفردات الفاظ قرآن - بیروت - دارالقلم - ١٤١٢ ق

و از این ریشه واژه استکبار است که طبق گفته راغب در مفردات بر دو وجه است:

اول آنکه انسان قصد کند که بزرگ شود و این در مسیری که بزرگی در آن درست است و جایی که بزرگی در آن پسندیده است و در وقتی که بزرگی در آن واجب است پسندیده می‌باشد و دوم در جایی است که بزرگی کردن در آنجا ناپسند است که آنچه در قرآن کریم به کار رفته و از استکبار قصد شده همین معنای دوم است:

(و هو ما قال تعالى: أٰبٰى وَ اسْتَكْبَرَ [البقرة/ ۳۴]. و قال تعالى: اٰ فَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُوْلٌ بِمَا لَا تَهْوٰى اَنْفُسَكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ [البقرة/ ۸۷]، و قال: وَ اَصْرَوْا وَ اسْتَكْبَرُوْا اسْتِكْبَارًا [نوح/ ۷]، اسْتِكْبَارًا فِى الْاَرْضِ [فاطر/ ۴۳]، فَاسْتَكْبَرُوْا فِى الْاَرْضِ \* [فصلت/ ۱۵]، تَسْتَكْبِرُوْنَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ [الأحقاف/ ۲۰]، و قال: اِنَّ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوْا عَنْهَا لَا تُفْتَحُ لَهُمْ اَبْوَابُ السَّمٰوٰتِ [الأعراف/ ۴۰]، قَالُوْا مَا اٰغْنٰى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ [الأعراف/ ۴۸] ۱

بسامد قرآنی واژه کبر :

واژه کبر ۱۶۱ بار در قرآن کریم مورد استفاده کلام الهی قرار گرفته است و در ۵۰ شکل و صیغه های گوناگون :

استکبارا، استکبر ، استکبروا، الاکبر ، الکبر ، الکبری ، الکبریاء ، الکبیر، المستکبرین، استکبرت، اکابر ، اکبر ، اکبرنه، تتکبر ، تستکبرون، تکبیرا، فاستکبرتم ، فاستکبروا، فکبر ، کبائر، کبارا، کبرائنا، کبرت، کبره، کبیر ، کبیرهم، کبیره، لتکبروا، للمتکبرین، مستکبرا، یکبروا...

پس آنجایی که این صفت متعلق به ذات خداوند متعال است پسندیده و آنجایی که متعلق به غیر خداست صفتی ناپسند است البته میتوان به عبارتی دیگر بیان نمود آنگاه که انسان نیز این صفت را در مسیر الهی و به جهت بندگی و عبودیت استفاده نماید محمود و پسندیده است و در غیر این مسیر همان طغیان و سرکشی میباشد. از آثار تکبر در برابر حرمت الهی بلکه جمیع اقسام تکبر ، ذلت و خواری در دنیا و آخرت است همان گونه که از آثار تواضع ، زیاد شدن عزت و شرف در دنیا و آخرت است. در سوره لقمان میفرماید (تکبر نکن به گردانیدن روی خود از مردم هنگامی که با تو سخن میگویند) یعنی با تواضع با

۱- راغب اصفهانی - حسین ابن محمد - مفردات الفاظ قرآن - بیروت - دارالقلم - ۱۴۱۲ق



مردم در گفتگو و سلام و برخورد ملاقات کن (و روی از ایشان بر مگردان چنانکه متکبران با مردم میکنند) از روی حقیر و خوار دانستن خلق خصوصا با فقرا و باید با غنی و فقیر حالت یکسان باشد (و بر زمین مخرام از روی ناز) مانند جاهلان و دنیا پرستان که از روی ناز و فرح شدید روی زمین میخرامند جز این نیست که خداوند هر خرامنده که متکبرانه و به ناز حرکت میکند و بسیار فخر و ناز کننده را دوست ندارد. (گناهان کبیره)

در مفردات آمده :

**التَّكَبُّرُ** يقال على وجهين:

أحدهما: أن تكون الأفعال الحسنة كثيرة في الحقيقة و زائدة على محاسن غيره، و على هذا وصف الله تعالى بالتكبر. قال: **العَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ** [الحشر / ۲۳].

و الثاني: أن يكون متكلفا لذلك متشعبا، و ذلك في وصف عامّة الناس نحو قوله: **فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ\*** [الزمر / ۷۲]، و قوله:

**كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ** [غافر / ۳۵] و من وصف بالتكبر على الوجه الأوّل فمحمود، و من وصف به على الوجه الثاني فمذموم، و يدلّ على أنه قد يصحّ أن يوصف الإنسان بذلك و لا يكون مذموما مفردات الفاظ قرآن

صاحب مفردات الفاظ قرآن در اینجا بحثی دارد که با قول طباطبایی در این آیه کمی متفاوت است ایشان میفرماید از آن جهت که تکبر به حق داریم و تکبر ناحق قرآن کریم نیز این موضوع را مطرح نموده و فرموده

**سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ** [الأعراف / ۱۴۶] یعنی لفظ بغیر الحق بیانگر این مطلب است که اینان عملشان در مسیر غیر الهی است پس تکبرشان نیز بغیر حق میباشد . علامه میفرماید :

در این آیه تکبر در زمین به قید " بغیر حق " مقید شده و حال آنکه تکبر در زمین جز به غیر حق نیست، هم چنان که در جای دیگر " بغی ستمگری و فساد انگیزی " در زمین مقید به همین قید شده، در صورتی که همیشه بغی به غیر حق هست، و دو قسم نیست یکی به حق و یکی دیگر به غیر حق. جواب این شبهه این است که این گونه تقييدها در حقيقت توضيح است نه تقييد، و غرض از این توضیح این است که

بفهماند تکبر و یا بغی از این جهت مذموم است که به غیر حق است، پس اینکه بعضی‌ها گفته‌اند: "قید مزبور احترازی است، و دلالت می‌کند بر اینکه تکبر دو قسم است به حق و به غیر حق، و تکبر به حق تکبر بر دشمنان خدا و بر اشخاص متکبر است" صحیح نیست، زیرا تکبری که در آیه است مطلق تکبر نمی‌باشد، بلکه تکبر در زمین است که معنایش خودنمایی و خوار شمردن بندگان خدا و زیر دست قرار دادن آنان است، و این قسم تکبر هیچوقت به حق و ممدوح نمی‌شود.<sup>۱</sup>

اما طباطبائی نیز در توضیحات دیگری مطلب را کامل بیان فرموده اند که:

تکبر "عبارت است از اینکه کسی بخواهد خود را ما فوق دیگری و بزرگ‌تر از او جلوه دهد و لذا وقتی کسی در گفتار و رفتار خود قیافه بگیرد و بخواهد با تصنع در عمل و گفتار، دل دیگران را مسخر خود نموده در دلها جا کند و بخواهد به دیگران بقبولاند که او از آنان شریف‌تر و محترم‌تر است به چنین کسی می‌گویند تکبر ورزید، و دیگران را خوار و کوچک شمرد. و از آنجایی که هیچ موجودی از ناحیه خود دارای احترام و کرامتی نیست مگر اینکه خدای تعالی او را به شرافت و احترامی تشریف کرده باشد از این جهت باید گفت تکبر در غیر خدای تعالی - هر که باشد - صفت مذمومی است، برای اینکه غیر او هر که باشد از ناحیه خودش جز فقر و مذلت چیزی ندارد. آری، خدای سبحان دارای کبریا است و تکبر از او پسندیده است. بنا بر این، می‌توان گفت تکبر دو قسم است: یکی پسندیده و آن تکبر خدای تعالی است، و یا اگر از بندگان او است منتهی به او می‌شود مانند تکبر دوستان خدا بر دشمنان او که آنهم در حقیقت افتخار کردن به بندگی خدا است. و دیگر تکبر ناپسند، و آن تکبری است که در مخلوقات وجود دارد که شخص نفس خود را بزرگ تصور می‌کند اما نه بر اساس حق.

شیخ طوسی در التبیان تکبر را در مقابل خشوع و خضوع معنا کرده و فرموده فرد خاشع و متواضع کسی را گویند که در او تکبری وجود ندارد:

فالشوع، و الخضوع، و التذلل، و الإخبات، نظائر. و ضد الخضوع: الاستکبار.

و خاشع: صفة مدح، لقوله: «وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ» و إنما خص الخاشع بأنها لا تكبر عليه، لأن الخاشع قد تواطأ ذلك له، بالاعتیاد له، و المعرفة بماله فيه، فقد صار بذلك بمنزلة ما لا يشق عليه فعله، و لا يثقل تناوله و قال الربيع بن أنس: «الخاشعین» فی الآیة: الخائفون.

---

۱ - طباطبائی - محمد حسین - المیزان فی تفسیر القرآن - قم - دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه

و این صفت خاشعین و متواضعین که در مقابل استکبار و تکبر قرار دارد همان حالتی است که انبیاء الهی و مقرب به آن صفت شناخته میشدند. قرآن کریم در مقابل افکار خرافی پیروان عیسی (ع) که او را تا مرز الوهیت پیش بردند میفرماید:

(لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا) مائده ۱۷۲

یعنی در وجود انبیاء الهی هیچ گونه تکبر و استکبار در برابر مقام الهی وجود نداشته است و عبد بودن یکی از اوصافی است که انبیاء الهی به آن افتخار میکردند و همچنین فرشتگان مقرب پروردگار متعال و نتیجه تکبر را نیز آیه شریفه بیان میدارد که نتیجه ای جز گرفتاری در دوزخ نخواهد داشت.

در تفسیر کشف الاسرار و در ذیل آیه ۱۷۲ سوره مبارکه مائده متکبرین بر سه گروه تقسیم شده اند:

گروهی بر خدای عز و جل تکبر کردند، چون نمرود و فرعون و ابلیس، و کسانی که دعوی خدایی کردند، و از بندگی ننگ داشتند. و به قال الله عز و جل: كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا، و گروهی به رسول (ص) تکبر کردند چون کفار قریش که گفتند: بشری را همچون خود سر فرو ننهیم، چرا نه فریخته فرستادندی؟! یا باری محتشمی چون ولید مغیره از اهل مکه یا عروه بن مسعود الثقفی از اهل طائف، و ذلک قوله: «لولا انزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم»؟ ربّ العزّة این قوم را میگوید: «فاصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الأرض بغير الحق». سیوم قوم آنند که بر بندگان خدا تکبر کنند، و بچشم حقارت بایشان نگرند، و حق از ایشان قبول نکنند، و خویشان را بزرگ دارند، و خود را از همه کس به دانند. رسول خدا را پرسیدند که کبر چیست؟ گفت: آنکه حق را گردن نهد، و بچشم حقارت بمردم نگرد. یکی از جمله بزرگان دین گفته که: مرد کریم چون پارسا شود متواضع گردد، و سفیه چون پارسا شود باد کبر در وی پدید آید. و مصطفی (ص) گفته: «اعوذ بک من نفخة الکبر» و در خبر است که چون متواضعی را بینید با وی تواضع کنید، و بر متکبر تکبر آرید، تا حقارت و مذلت وی پدید آید. روز رستاخیز این متکبران را بر صورت مور خرد حشر کنند، در زیر پای خلق افتاده، و بنزدیک خدای عز و جل کس از ایشان خوارتر و ذلیل تر نه، که ایشان در تکبر و جبروت با خدای منازعت کرده اند.

همانطور که مشاهده می فرمائید هر کجا لفظ تکبر وجود دارد با وجود شیطان و ابلیس قرین شده و از آنجایی که شیاطین هم انسند و هم جن شناخت اولیاء شیطان میتواند از همین طریق صورت پذیرد. یعنی هر جا فرد متکبری پیدا شد همان جا وجود اولیاء شیطان ملموس و محسوس خواهد بود.

## ۱-۲-۱-فرق عجب و کبر

اصل موضوع عجب حالتی است از دیدن چیزی خارج از جریان طبیعی زندگی که آن را تعجب میگویند و اگر این حالت مربوط به نفس انسان و صفات و اعمال مربوط به نفس باشد آن را عجب میگویند.

در کتاب التحقیق پیرامون واژه عجب بیان شده :

أَنَّ الأصل الواحد في المادة: هو الحالة الحاصلة من رؤية شيء خارجا عن الجريان الطبيعي المتوقع عادة، فهذه الحالة يطلق عليها **التَّعَجُّبُ**. و ان كانت الرؤية متعلّقة بنفسه و صفاته و أعماله: فيطلق عليها **العُجْبُ** بالضم، و كأن **العُجْبُ** كالغسل اسم مصدر يدلّ على ما يتحصّل من المصدر، و هو الصفة النفسانية. ۱

در عجب گفته شده که سبب آن مشخص نیست و انسان نسبت به آن جاهل دارد و به همین دلیل گفته شده که نسبت به خدا تعجب کردن صحیح نمیباشد چرا که هیچ چیز از خداوند متعال بعید و مخفی نیست.

و لهذا قيل: لا يصحّ على الله التّعجب، إذ هو علّم الغيوب لا تخفى عليه خافية. يقال: **عَجِبْتُ عَجَبًا**، و يقال للشئ الذي يتعجب منه: **عَجِبٌ**، و لما لم يعهد مثله **عَجِيبٌ**.

قال تعالى: **أُ كَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا [يونس / ۲]، تنبئها أنهم قد عهدوا مثل ذلك قبله، و قوله:**  
**بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ ۲**

عجب ریشه ای در کبر دارد با این تفاوت که در عجب سبب مشخص نیست و میتوان گفت عجب، غروری است که در نفس انسان با دلیلی نا معین پدیدار میشود.

**عجب:** أصلان صحيحان يدلّ أحدهما على كبر و استكبار للشئ و الآخر - خلقه من خلق الحيوان. فالأول **العُجْبُ** و هو ان يتكبر الإنسان في نفسه، تقول هو **مُعَجَّبٌ** بنفسه، و تقول من باب العجب: **عَجِبَ يُعْجَبُ عَجَبًا**، و أمر عجيب، و ذلك إذا استكبر و استعظم. ۳

- 
- ۱- مصطفوی - حسن - التحقیق فی کلمات القرآن - بیروت - دارالکتب العلمیه - ۱۴۳۰ ق
  - ۲- راغب اصفهانی - حسین ابن محمد - مفردات الفاظ قرآن - بیروت - دارالقلم - ۱۴۱۲ ق
  - ۳- مصطفوی - حسن - التحقیق فی کلمات القرآن - بیروت - دارالکتب العلمیه - ۱۴۳۰ ق